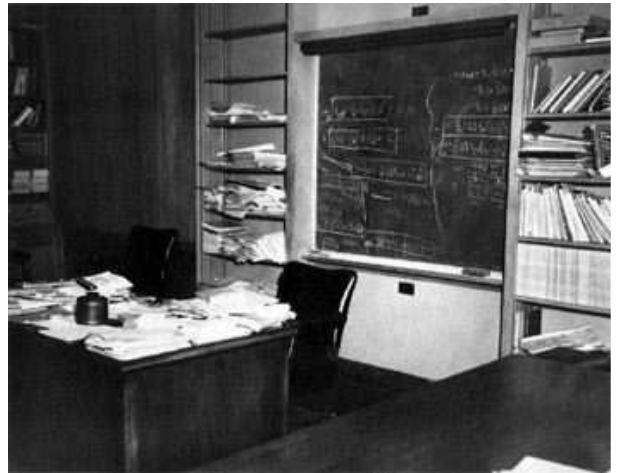


## نگاهی به خبر «توجیه نظریه مدال های اتمی آلبرت اینشتین» شبه قهرمانان علمی

احمد شریعتی \*

گروه علم: روز دوشنبه ۲۱ آذرماه جاری صداوسیما در بسیاری از بخش های خبری خود به تعریف و تمجید از کشف یک نابغه ایرانی در مورد «کشف راز معمایی مدال های اتمی آلبرت اینشتین» پرداخت. از جمله بخش خبری ساعات ۳۰/۲۲ شبکه دوم سیما گفت: «کشف رازهای معمایی مدال های اتمی آلبرت اینشتین آن هم پس از نیم قرن بهت و حیرت دانشمندان را برانگیخت». بهاره کمالی سروستانی ۲۵ ساله و دانش آموخته رشته مدیریت بازرگانی که تحقیق در زمینه علم شیمی را به خاطر علاقه پیگیری می کند، پس از سه سال تلاش پیگیر موفق شد مدال های اتمی مدنظر اینشتین را طراحی و توجیه کند. آلبرت اینشتین مدال های اتمی را به عنوان بنیادی ترین ذرات اتمی که در شیمی پایه نیز به عنوان نگه دارنده چهار ذره اصلی اتم محسوب می شود، توجیه و بسیاری از خواص این ذرات را تشریح و همچنین کاربردهای آن را پیشگویی کرد.



اینشتین در سال ۱۹۴۸ بر این باور بود که چون قدرت انرژی اتمی مهار نشده است، برای مهار شدن انرژی هسته ای نیاز به شناسایی ذرات نگه دارنده هسته اتم است.

او معتقد بود می شود با مهار کردن انرژی هسته ای ماشین های پرنده ای طراحی کرد که در ارتفاع ۳۰ متری سطح زمین بتوانند پرواز کنند. روزنامه دیلی نیوز چاپ آمریکا با انتشار مقاله بهار کمالی سروستانی در تاریخ دهم نوامبر (نوزدهم آبان ماه) نوشته است دانشمندان آمریکایی که سال ها است درباره مدال های اتمی تحقیق کرده اند از این کشف به عنوان «بزرگترین تحول قرن بیست و یکم» و از خانم بهاره کمالی سروستانی به عنوان «ستاره دنباله دار ذهن اینشتین در ایران» یاد کرده اند. جالب توجه است که کاشف مورد نظر ۲۵ ساله که فارغ التحصیل مدیریت بازرگانی است و به خاطر علاقه شخصی به تحقیق در علم شیمی می پردازد، توانسته است به بزرگترین کشف در علم فیزیک دست یابد. جالب آنکه در روز سه شنبه ۲۲ آذر نیز دو روزنامه «ایران» و «رسالت» این خبر را در صفحه اول خود ذکر کرده اند. کسی که با مقدمات علم آشنا باشد با نگاهی سطحی به این خبر درمی یابد که خبر از اساس غیرعلمی است اما از آنجایی که نمونه ها و مواردی از این دست در ایران بسیار روی داده و با در نظر گرفتن سهولت طراحی و ساخت سایت و روزنامه های دیجیتال که به راحتی می توان با اهداف و اغراض خاص به چنین شیطنت هایی دست زد و همچنین احتمال پخش مجدد خبرهایی در مورد «انقلاب های علمی دانشمندان جوان ایرانی» که عموماً هم یک شبه صورت می گیرد و همه اعتبار فرهنگی و علمی مجامع علمی ایران را به باد فنا می دهد، بر آن شدیم به کالبدشکافی بیشتر این ماجرا بپردازیم.

•••

وقتی تیم ملی فوتبال در یک مسابقه مهم، مثلاً در یکی از مراحل جام جهانی می برد، بسیاری از مردم به خیابان ها می ریزند، شادی می کنند، جشن می گیرند و احساس غرور می کنند - مثل همان احساس غروری که بعد از یک جنگ به فاتح دست می دهد. اصولاً وقتی مردم یک پیروزی بزرگ می بینند احساس غرور می کنند، در این مواقع کسانی که در این پیروزی ها نقش مهم و آشکار داشته اند تبدیل می شوند به قهرمانان ملی. می گویند جامعه به این قهرمانان نیاز دارد، به این معنی که مردم نیازمند آن هستند که قهرمانانی داشته باشند. اکنون بیش از شصت میلیون ایرانی می خواهند قهرمانانی در تمام زمینه ها داشته باشند و یکی از این زمینه ها علم است. قهرمانانی هم داریم - رازی، بوعلی، بیرونی، خوارزمی، خیام، نصیرالدین طوسی و بسیاری دیگر. اما این بزرگان متعلق به دنیای قدیم اند. امروز نیاز به دانش پیشه های درجه یکی داریم که متعلق به دنیای جدید باشند. در اینجا است که متاسفانه قهرمان نداریم. راستش در سصد سال گذشته، حتی یک دانش پیشه طراز اول در علوم جدید (فیزیک، ریاضیات، شیمی، زیست شناسی، زمین شناسی، نجوم، زبان شناسی، مردم شناسی و...) نداشته ایم. برای آنکه این کمبودی که داریم جبران شود، دو راه هست: یکی این که بکوشیم موسسه های آموزشی و پژوهشی را چنان بالا ببریم که در این موسسه ها دانش پیشه های درجه یک پرورش یابند، دوم اینکه بکوشیم با تبلیغات برای مردم قهرمان هایی بسازیم. در این نوشته می خواهم چیزهایی درباره این قهرمان های رسانه ای بگویم، چیزهایی که مدت ها است بسیاری از فیزیک پیشه های فعال ایران، دوست دارند که بگویند، اما به دلایلی پروا می کنند.

• لطیفه های گریه آور

به این سه خبر خیالی توجه کنید:

۱- X فوتبالیست تیم دسته سوم Y از سوی فیفا به عنوان بزرگ ترین فوتبالیست جهان انتخاب شد.

۲- فرمول برد در بازی فوتبال توسط یک دانش آموز ایرانی کشف شد. X دانش آموز سوم دبیرستان Y موفق به کشف راز گل زدن در بازی فوتبال شده است. برخی از بهترین تیم های فوتبال جهان از وی برای سرپرستی تیمشان دعوت کرده اند.

۳- یک نابغه ایرانی موفق شد فرمولی پیدا کند که بر اساس آن می توان ماشین پیکان را به بنز الگانس تبدیل کرد. لازم به ذکر است که کارخانه بنز نیز چندی پیش از وی برای دیدار از کارخانه خود دعوت کرد، اما وی به علت نداشتن گذرنامه موفق به خروج از ایران نشد.

وجه مشترک همه این خبرها این است که همه خنده دارند. هر کس که اینها را بخواند، می فهمد که با یک شوخی یا لطیفه سر و کار دارد. وقتی چنین چیزهایی در یک طنزنامه چاپ می شوند، مردم آنها را می خوانند و می خندند. اما اگر این خبرها در روزنامه ها، به عنوان خبرهای جدی چاپ شوند، و بعضی هم آنها را جدی بگیرند چه؟ آیا باز هم باید خندید یا باید گریست؟

روزنامه ها ممکن نیست چنین خبرهایی چاپ کنند، به این علت ساده که نه مردم، نه خود روزنامه نگارها چنین چیزهایی را باور نمی کنند. مردم معنی قهرمان ورزشی را خوب می دانند، مثال خوبش هم رضازاده قهرمان فوق سنگین وزنه برداری جهان است. رضازاده یک قهرمان واقعی است و مردم این را خوب می دانند. مردم آنقدر از فوتبال سر درمی آورند، که بدانند گل زدن در آن فرمولی ندارد که قرار باشد یک دانش آموز آن را پیدا کند و بعد مثلاً تیم بایرن مونیخ از او دعوت کند که بیاید بشود سرپرست تیم. مردم خیلی خوب می دانند که فرق پیکان و مرسدس بنز، در صد ها هزار جزئیات فنی است، نه در فرمولی که آن را یک دانش آموز کشف کند.

اینک به خبرهای زیر که همگی از روزنامه های معتبر نقل می شوند توجه کنید.

• جمهوری اسلامی،

۲۱/۹/۱۳۷۲

یک دانش آموز نابغه تبریزی که برای نخستین بار در جهان موفق به کشف یکی از قضایای مهم کشف نشده در مورد اتم شده است، تاکنون از ۱۶ دانشگاه معتبر جهان دعوتنامه پذیرش دریافت کرده است. ... کشف این قضیه توسط یک دانش آموز نابغه تبریزی ابتدا به دانشگاه تهران گزارش شد و پیشرفته ترین کامپیوترها موضوع را مورد تأیید قرار دادند. آقای... گفت: کشف این قضیه سپس از طریق دانشگاه تهران جهت تأیید جهانی و برای بررسی و تأیید به دانشگاه هاروارد آمریکا اعلام شد و بعد از یک هفته دانشمندان بزرگ و کامپیوترهای پیشرفته تأیید کردند که این قضیه یکی از قضایای مهم کشف نشده در مورد اتم بوده است.

• اطلاعات،

۲۴/۹/۱۳۷۳

فرمول شکاف هسته اتم هیدروژن توسط یک دانش آموز تبریزی کشف شد

• ایران و اطلاعات،

۲۰/۱/۱۳۷۵

جایزه سده بیستم لایب نیتس به یک دانشمند ایرانی داده شد. ... حسیب ثابت کرده است که اعداد اول در ریاضیات وجود ندارند. وی ثابت می کند که عدد ۷ به طور دقیق قابل تقسیم بر ۳ است.

این خبرها هم، برای بعضی خنده دارند و برای بعضی نه و البته این دسته دوم تعدادشان بسیار بیشتر است، متأسفانه. این دقیقاً یعنی این که آگاهی مردم ما از علم در سطح آگاهی شان از مثلاً فوتبال نیست.

این که مردم از علم خیلی کمتر می دانند تا از مثلاً فوتبال، این خاص ایران و جوامع در حال توسعه نیست، اطلاع مردم در کشورهای پیشرفته هم کمتر از اطلاعات شان از مثلاً فوتبال است. مشکل ما این است که نظام خبری جامعه ما نیز در این زمینه بسیار ناآگاه است. روزنامه های ما خبر های علمی را از هر منبعی که دم دست شان باشد می گیرند و آن را وحی منزل می پندارند، هرچه هم خبر عجیب تر باشد، در پراکندنش کوشاتر ند. مورد سوم از مثال های فوق، بخش پذیری ۷ بر ۳، از این جمله است. این خبر را ظاهراً کسانی به عنوان دروغ، یا بهتر است بگوییم شوخی سیزده درست کردند و قاعدتاً هدف شان شوخی بوده است. متن خبر دقیقاً طوری نوشته شده که هرکس در حد دبیرستان حساب بلد باشد متوجه این شوخی می شود. اما این خبر به روزنامه های ما می رسد و بعضی از روزنامه ها بی هیچ پرس و جویی و در واقع بی هیچ شکمی، آن را می پذیرند و می پراکنند. تا جایی که من می دانم، هرگز کسی از بابت این اشتباه از مردم پوزش نخواست.

این قصه دست انداختن مردم با خبرهای بی سروته، گویی باید هرازچندی تکرار شود. آخرین اش خبری است که دوشنبه گذشته رادیو، تلویزیون و بسیاری از روزنامه ها آن را پراکندند. متن خبر آن طور که در روزنامه ایران (سه شنبه ۲۲/۹/۱۳۸۴) آمده این است: شیراز- خبرنگار ایران: راز مدال های اتمی آلبرت اینشتین پس از نیم قرن ابهام توسط یک دختر پژوهشگر سروستانی گشوده شد. بهاره کمالی سروستانی پس از سه سال تحقیق و تلاش بی وقفه علمی و ارتباط مستمر با برخی مراکز پژوهشی معتبر دنیا موفق به توجیه نظریه ای [مدال های اتمی آلبرت اینشتین شد. اینشتین در ۵۰ سال قبل مدال های اتمی را به عنوان بنیادی ترین ذرات اتمی توجیه و بسیاری از خواص این ذرات را تشریح و کاربردهای آنها را پیشگویی کرد. رزیتا جیسون رئیس یکی از پژوهشکده های تحقیقاتی معتبر آمریکا و به عنوان کسی که در جوانی دوبار با اینشتین دیدار کرده و در سال های اخیر با تعدادی از همکارانش درصدد حل معمای مدال های اتمی اینشتین بوده است، درخصوص کشف اخیر راز این مدال ها گفته است: حل معمای اتمی، جوابگوی بسیاری از مشکلات و نیازها در رابطه با انرژی اتمی، نویدبخش ساخت ماشین های پرنده و توجیه کننده ای [قدرت شگفت انگیز مثلث برمودا است. این پژوهشگر آمریکایی از بهاره کمالی سروستانی به عنوان ستاره ای [دنباله دار ذهن اینشتین در ایران]، نویددهنده تولد اینشتینی دیگر و سوپرستار علمی واقعی جهان امروز]، و از کشف وی به عنوان بزرگترین تحول قرن ۲۱ یاد کرده است. یکی دیگر از دانشمندان آمریکایی نیز معتقد است، ارزش و قدر آلبرت اینشتین به اندازه ای [نظریه ای] نسبت وی است، اما بهاره کمالی سروستانی را نمی توان با هیچ ارزش و قیمتی سنجید. بهاره کمالی سروستانی فارغ التحصیل رشته ای [مدیریت بازرگانی است و فعالیت های تحقیقی خود را از دوران دبیرستان به عنوان فعالیت های فوق برنامه آغاز کرده است. وی در رابطه با کشف علمی اخیر خود گفت: از سه سال قبل معمای مدال های اتمی را از یکی از پژوهشکده های شیمی آمریکا گرفتم و به کارهای تحقیقی بر روی آن پرداختم. تا اینکه اخیراً متوجه شدم توانسته ام این معما را حل کنم و پس از تماسی که با این پژوهشکده برقرار کردم و نتیجه ای [تحقیقات را به آنها اعلام کردم، آنها پس از بررسی موضوع، حل درست معما را تأیید

کرده اند.

حل معمایی مدال های اتمی آلبرت اینشتین توسط بهاره کمالی سروستانی از سوی انجمن شیمی آمریکا تأیید شده و مشخصات آن بر روی سایت انجمن قرار گرفته است. این محقق و پژوهشگر ۲۵ ساله [ای] سروستانی پیش از این نیز موفق به اختراع ماده [ای] ایمن سازی اسناد و مدارک، ماده [ای] انعقاد خون برای بیماران هموفیلی [ا] و سنگ مصنوعی [ا] و ثبت آنها در فهرست اختراعات کشور شده است.

بگذارید این خبر را کالبدشکافی کنیم:

۱- مدال آن است که بر گردن قهرمانان ورزشی می اندازند. در اتم ها یک مفهومی هست به نام مدار. یک مفهوم «مدارهای اتمی بور» (Bohr) هست که اولاً ربطی به اینشتین ندارد، ثانیاً تقریباً ۸۰ سال است که جاییش را به مفهوم جدیدتر اربیتال های اتمی داده است. ۲- اینشتین دقیقاً ۵۰ سال پیش درگذشت و در چند سال آخر عمرش کار مهمی در فیزیک نکرد. ۳- اینشتین تقریباً در سه دهه آخر عمرش می کوشید ذره های بنیادی را در چارچوب نظریه کلاسیک میدان ها توضیح دهد. اما به اذعان خودش و به اذعان همه فیزیک پیشه های صاحب نظر در این زمینه ها برنامه اش ناموفق بود.

۴- اگر خانم رزیتا جی سون در ۲۵ سالگی اینشتین را دیده باشد و آن هم در روزهای آخر عمر اینشتین اکنون باید ۷۵ سال داشته باشد. در آمریکا و اروپا سن بازنشستگی ۶۴ سال برای استادان رعایت می شود، روسای ۷۵ ساله مراکز تحقیقاتی دولتی و دانشگاهی بسیار نادرند. البته ممکن است افرادی سودا زده خود موسسه های تحقیقاتی بسازند. این موسسه ها و افراد را هیچ نهاد آکادمیکی جدی نمی گیرد.

۵- تنها یک سودا زده ممکن است مدارهای اتمی و مثلث برمودا و ماشین های پرنده را به هم ربط بدهد.

۶- هیچ آدم عاقلی در سال ۲۰۰۵ یعنی ۹۵ سال پیش از پایان قرن ۲۱ نمی گوید که فلانی بزرگترین نابغه قرن ۲۱ است. در مورد اینشتین هم در سال ۱۹۰۵ کسی در موردش چنین چیزی نگفت، با آنکه خیلی زود جامعه فیزیک جهانی درستی نظریه های انقلابی اش را پذیرفت.

۷- آمریکا موسسه های علمی بسیار معتبر دارد، اما ضمناً هزاران فالگیر و جن گیر هم دارد. ضمناً ثبت کردن و راه انداختن موسسه هایی با عنوان هایی شبیه به «موسسه تحقیقاتی فلان» یا «انجمن فلان» نه در آمریکا و نه تقریباً در هیچ جای دنیا جرم نیست. موسسه های پژوهشی بی اعتبار و خرافاتی بسیارند.

۸- اگر منظور از «انجمن شیمی آمریکا» همان Society American Chemical باشد من به منزلگاه (وب سایت) این جامعه ([www.acs.org](http://www.acs.org)) رجوع کردم چیزی در مورد خانم کمالی سروستانی ندیدم. اگر منظور جایی دیگر است باید گفت درست کردن منزلگاه اینترنتی مثل آب خوردن است و در جهان بیش از ۱۰۰ میلیون منزلگاه اینترنتی هست. جمله ای که در خبر آمده از نظر من درست مثل این دو جمله است که «گوسفندها روزی دو ساعت پرواز می کنند. این را یکی از روزنامه های آمریکا نوشته که بسیار معتبر است.»

این لطیفه ها را چه کسانی و چرا می سازند؟ این را نمی دانم و فکر می کنم که بسیار بجا است چند نفر روانشناس و جامعه شناس خوب به نحوی جدی وارد این مسئله بشوند و این خبرسازها را و ساز و کار ساخته شدن چنین خبرهایی را بررسی کنند تا شاید راه علاجی پیدا شود. اما صرف نظر از این کار پژوهشی در حوزه روانشناسی و جامعه شناسی خوب است که یک فکری برای سرویس خبری علمی رسانه ها بشود. مهمترین کاری که باید در این باره کرد این است که برای خبرنگاران علمی و ویراستاران خبرهای علمی رسانه ها، دوره هایی آموزشی گذاشت که خودشان دید نسبتاً معقولی از علم و خبرهای علمی در جهان امروز داشته باشند. برای این کار می توان از استادان دانشگاه های معتبر داخلی و انجمن های علمی داخلی کمک گرفت.

\* گروه فیزیک دانشگاه الزهرا و انجمن فیزیک ایران